

عنوان دوره :

آشنایی با قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

عمومی (کلیه کارکنان)

مدت دوره :

۸ ساعت

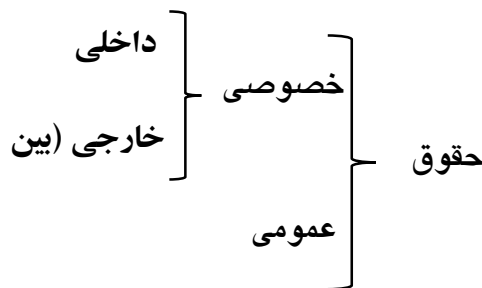
قانون اساسی هر کشور معتبرترین و اصلی ترین منبع حقوق اساسی است و از این رو، مهمترین منبع شناخت هر نظام سیاسی از جمله جمهوری اسلامی ایران است و در بردارنده هدفها، آرمانها اصول و ارزشهای حاکم بر آن است و نوع حکومت، اهداف دولت، دین، مذهب و سایر نهادهای حکومتی نیز در قانون اساسی مشخص است. قبل از پرداختن به بحث قانون اساسی لازم است به نکاتی درباره مفاهیم و کلیات حقوق اساسی اشاره شود.

تعریف حقوق

حقوق از واژه حق گرفته شده است و حق عبارت است از قدرت یا امتیازی که کسی یا جمعی سزاوار برخوردار است و بویژه قدرت یا امتیازی که به موجب قانون حق قانونی یا عرف مقرر شده است. علم حقوق نیز چون سایر رشته های علوم اجتماعی سیر تکاملی خود را طی کرده و پیشرفت آن موجب تقسیم آن به شعب عدیده شده است.

تعریف حقوق اساسی

مجموعه قواعد و اصول مربوط به تشکیلات اساسی دولت و قوای سه گانه مقننه، مجریه، قضائیه و اختیارات و روابط آنها با هم و روابط افراد و دولت و حقوق و تکالیف متقابل طرفین است که آن را قانون اساسی هر کشور تعیین می کند. مباحث حقوقی بر اساس منشاء، هدف و موضوع، به دو رشته حقوق خصوصی و عمومی تقسیم بندی می گردد.



**** حقوق از نظر داخلی به دو دسته تقسیم می شود که عبارتند از:**

۱. حقوق عمومی : در حقوق عمومی، قواعد و ضوابط حاکم بر روابط دولتها با افراد و نیز دولتها با یکدیگر مورد بحث قرار می گیرد. حقوق عمومی، قواعدی است که بطور مستقیم و محسوس نقش حکومت در آنها مطرح است به عبارت دیگر مجموعه مقررات و قواعدی است که حقوق و تکالیف دولت را در برابر اتباع خود مشخص نموده و به تنظیم روابط دولت ها می پردازد.

۲. حقوق خصوصی : در حقوق خصوصی، قواعد و ضوابط حاکم بر روابط افراد با یکدیگر مورد بحث قرار می گیرد. در واقع مجموعه قواعد و مقرراتی است که بر روابط افراد حکومت می نماید که خود به شاخه حقوق خصوصی داخلی (ملی) و حقوق خارجی (بین المللی) تقسیم می شود.

**** حقوق از نظر قلمرو اجرایی نیز به دو دسته تقسیم می شود:**

۱ - حقوق داخلی: حقوق داخلی شامل حقوق خصوصی و حقوق عمومی می باشد.

۲- حقوق بین الملل: حقوق بین الملل نیز شامل حقوق بین الملل خصوصی و حقوق بین المللی عمومی است.

منابع حقوق اساسی

منابع حقوق یعنی کلیه عواملی که در ایجاد و توسعه و تکامل حقوق نقش داشته و قواعد حقوقی از آن ریشه می گیرد. به تعبیر دیگر ، پدیده هایی مثل قانون و عرف که حقوق و تکالیف جامعه و مردم از آنها سرچشمه می گیرند منابع حقوق نامیده می شود.

در هر کشوری منبع آن مقام و قدرتی است که حق وضع قواعد و تحمیل رعایت آن را برعهده دارد. بنابراین درحکومت های آزاد و نظام های لائیک که حکومت مبتنی برآرا و اراده ملت می باشد ، اراده و آرای ملت منبع موجودات عالم از طرف خداوند متعال قرار داده شده است ، به عنوان قانون طبیعت که حاکی از نظام تکوین و خلقت موجودات است، نامیده می شود.

مفهوم دیگری که مفهوم تشریعی و وضعی آن است در امور اعتباری به کار می رود مثل قوانین موضوعه و جعل شده که در این مورد لفظ قانون اشاره دارد به حکم کلی بشری روابط بین خالق و مخلوق و همچنین روابط بین

مخلوقات جوامع بشری تهیه و تنظیم شده است. که منظور از قانون همین مفهوم تشریحی و قراردادی آن می باشد.

قانون اساسی همان طوری که از نامش پیداست مجموعه قواعد و مقرراتی است که حاکم بر اساس حکومت و صلاحیت قوای مملکت و حقوق و آزادیهای فرد و جامعه و روابط فیما بین آنهاست. ضمناً قانون اساسی برخلاف سایر قوانین شامل دسته یا طبقه خاصی از افراد اجتماع نمی باشد بلکه بیانگر حقوق و تکالیف تمامی افراد یک ملت کشور است که صرفنظر از مقام و حرفه و شغل و موقعیتشان در این قانون سهیم می باشند.

منابع حقوق اساسی: ۱ - منابع خاص ۲ - منابع عام

۱. منابع خاص : منابعی است که ویژه هر کشور است که در کشورما عبارتند از:

- ✓ قرآن
- ✓ سنت (قول ، فعل و تقریر معصوم)
- ✓ عقل
- ✓ اجماع
- ✓ نظریه های تفسیری شورای نگهبان
- ✓ مصوبات مجمع تشخیص مصلحت نظام
- ✓ شورای عالی امنیت ملی
- ✓ شورای عالی انقلاب فرهنگی

۲. منابع عام منابعی است که در بیشتر کشورها به عنوان منبع حقوق اساسی پذیرفته می شود.

تمایز بین حقوق عمومی و حقوق خصوصی

- ✚ موضوع حقوق عمومی، دولت است درحالیکه در حقوق خصوصی، موضوع فرد است.
- ✚ حقوق عمومی مربوط به طبقه فرمانروا و در مقابل طبقه فرمانبردار است.
- ✚ در حقوق عمومی، توجه به منافع مردم است، در صورتیکه در حقوق خصوصی، منافع افراد مطرح است.

در حقوق عمومی، عامل اجبار و عمل اقتدارگرایانه در آن نقش مهمی دارد و انسان را قواعد عامه احاطه کرده است فلذا ناچار است در مقابل سازمان ها و ادارات سر تسلیم فرود آورد. در حالیکه در حقوق خصوص، حمایت اراده آزاد طرفین قرارداد ایجادکننده روابط حقوقی می باشد.

قواعد مورد بحث در حقوق عمومی، کلیت بیشتری دارند، زیرا متعلق به همه شهروندان می باشد در صورتیکه در حقوق خصوصی افراد خانواده، یا مالک را شامل می شود.

حقوق عمومی از حیث سلسله مراتب قبل از حقوق خصوصی قرار دارد، چراکه در پناه حقوق عمومی است که حقوق خصوصی بوجود می آید و توسعه پیدا می کند.

معنای واژه حقوق اساسی

این واژه در زبان فارسی اولین بار توسط منصور السلطنه عدل در کتاب خود به نام حقوق اساسی و یا اصول مشروطیت در سال ۱۳۲۷ به کار برده شد و به معنای تأسیس نمودن، مشروطیت و اساسنامه و نظامنامه و قانون آمده است. طرح قوانین سازمان دهنده کشور و قانون اساسی ابتدا به منظور مشروط کردن اقتدارات رژیمهای سلطنتی که تا قبل از قرن ۱۸ رایج ترین نظامهای سیاسی بودند برسر زبانها افتاد و به همین دلیل به معنای اصول مشروطیت نیز به کار برده شد.

تعریف قانون

قانون معمولاً به عنوان سیستمی از احکام شناخته می شود که از طریق موسسات اجتماعی یا دولتی ایجاد و الزام می شود تا رفتارها را تنظیم کند. قانون معمولاً به عنوان یک دانش و هنر عدالت توصیف می شود.

واژه قانون اگر چه بر کتاب طب بوعلی سینا گذارده شده است و در موسیقی هم از مخترعات معلم ثانی (فارابی) می باشد، اما در لغت از واژه یونانی <KANON> گرفته شده که دارای معانی متعددی بوده، از جمله روش، قاعده، ترتیب، سنت، دستور و اصل هر چیز نیز تعبیر شده است. اما در اصطلاح دانشمندان قانون به ضابطه ای گفته می شود که بر جمعی از افراد منطبق شده و حکم همه آن افراد از آن ضابطه شناخته می شود و معمولاً لفظ قانون به یک سلسله حقوق و تکالیف اطلاق می گردد

قوانین از نظر سلسله مراتب

۱. قانون اساسی
۲. قوانین عادی که در مجلس یا مجالس تصویب شده .
۳. آیین نامه ها و بخشنامه ها که توسط قوه مجریه وزارتخانه ها و..... وضع می شود.

ویژگیهای قانون

۱. کلی بودن: منظور از کلی بودن اینست که همه افراد مورد خطاب قرار دهد نه شخص معینی را.
۲. الزامی بودن: بدین معنا که پس از تطبیق با مصداق، حالت اجبار و الزام می باید و کسی نمی تواند از اجرای آن سرباز زند.
۳. داشتن ضمانت اجرا: بدین منظور دادرها، دادگاهها و نهادهای مختلفی را تشکیل داده تا قوانین را بدقت اجرا و متخلفان را تنبیه و مجازات کنند.
۴. داشتن قلمرو: قلمرو قانون چارچوب مرزهای رسمی و بین المللی هر کشور است.

ویژگیهای لازم قانون اساسی

- قانون اساسی که مهم ترین منبع حقوق اساسی است باید واجد شرایطی که مهم ترین آنها به شرح زیر است باشد:
۱. قانون اساسی هر کشوری باید مبتنی بر یکسری اصول و معیارهای خاص ملت و اجتماع مختص خود باشد. و بادر نظر گرفتن ارزشهای خاص جامعه خود تهیه و تنظیم گشته و اصول مختلف آن هم نتیجه منطقی همان اصول و معیارها و ارزشهای زیر بنایی مورد نظر باشد.
 ۲. قانون اساسی هر کشوری چه در محتوا و چه در شکل نباید صرفاً تقلیدی باشد بلکه باید با اوضاع سیاسی و اقتصادی و مذهبی و فرهنگی جامعه خود کاملاً مطابقت لازم رداشته باشد.
 ۳. در قانون اساسی فقط باید به امور کلی و مسائل سیاسی اساسی پرداخته شود و از مسائل غیرسیاسی همانند شرایط انتخابات وسازمانها ووزارتخانه ها که باید در قوانین عادی به آنها اشاره گردد، خودداری گردد. قانون اساسی نباید با پرداختن به مسائل جزئی و امور غیر اساسی از حالت بنیادی خارج گردد چنانچه

درا قانون اساسی مشروطه بیشترین اصول آن فقط مربوط به تشکیل مجلسین و نحوه اظهار به مجلس و یا عنوان مطالب از طرف مجلس بود

۴. تمامی مواد قانونی اساسی باید قابل اجرا باشد و از ذکر مواردی که قابل اجرا نیست جداً پرهیز گردد.
۵. مقررات و اصول قانون اساسی باید کاملاً واضح و صریح و روشن باشد و از هرگونه پیچیدگی و ابهام خودداری گردد، تا این امر سبب نشود در تفسیر و تحلیل اصول آن به حسب شرایط و اوضاع متغییر دستخوش تفاسیر سلیقه ای (شخصی) و یا هر گروهی گردد.
۶. اصول قانون اساسی باید در بیان مطالب و اعطای مسئولیت ها و وظایف به گونه ای تنظیم گردد که هیچ اصلی با اصل یا اصول دیگر تعارض و تنافی نداشته باشد
۷. از آنجایی که تمامی قوانین خصوصاً قوانین اساسی صرفتظر از بعضی اصول و معیارهای مبنایی و بنیادی آنها ثابت و لا یتغییر هستند، بسیاری از اصول و مواد آن خصوصاً از نظر شکل و تنظیم روابط بین نهادها و ارگانها ناشی از اراده مقننین و نمایندگان هر ملت و کشوری می باشند که با توجه به امکان هر گونه خطا و ضعف و نقص در تقنین انسانها، لازم است اصل یا اصولی راجه به شیوه و یا طرق بازنگری و تجدید نظر در قانون اساسی قید شود. ضمناً نباید مقررات مربوط به تجدیدنظر و بازنگری و تشریفات مربوط به آن به گونه ای سخت و مشکل باشد که این امر را غیر ممکن یا غیرمقدور نماید و از طرفی هم نباید چندان سهل و آسان باشد که با هر درخواست و تقاضایی قابل تجدید نظر و تغییرات گردد.

برتری قانون اساسی

قانون اساسی مهمترین و اصلی ترین قانون است. دلیل اهمیت آن بدین علت است که ساختار کلی سیاسی و حقوقی کشور را مشخص می کند و این باعث ثبات، تداوم و استحکام حکومت می شود. به همین دلیل در تمام کشورهای دنیا نهادهای نظارتی برای تطبیق قوانین عادی با قانون اساسی تشکیل شده، تا هیچ قانونی برخلاف قانون اساسی به تصویب نرسد.

پیشینه قانون اساسی در ایران

۱. قانون اساسی مشروطیت

۲. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

قانون اساسی مشروطیت

درسالهای آخرسلطنت ناصرالدین شاه قاجار شیوه حکومتی شاه و درباریان مورد اعتراض قرار گرفت . یکی از مهمترین اقدامات سازمان یافته مردم پایتخت مهاجرت به شاه عبدالعظیم و تحصن در آنجا بود. مظفرالدین شاه که پس از کشته شدن پدرش به سلطنت رسیده بود . با صدور فرمانی مبنی بر تأسیس عدالتخانه به منظور اجرای احکام شرع خشم مردم را فرو نشاند، اما برخلاف وعده های خود به دستگیری و قتل وعام مردم ادامه داد. این بار دیگر مردم به تأسیس عدالتخانه وعزل شهردار قانع نشدند بلکه از موضع قدرت خواستار عزل عین الدوله (صدراعظم) و تأسیس شورای ملی و تدوین قانون اساسی شدند. ازطرفی رهبری منسجم نهضت از جمله آیات عظام طباطبایی و بهبهانی منجر به بر کناری عین الدوله شد. مظفرالدین شاه در ۱۴ مرداد ۱۲۸۵ با صدور فرمانی دستور داد مجلس مشورتی از منتخبان ، شاهزادگان علماء، اعیان، اشراف، ملاکین، تجار و اصناف تشکیل شود ودرامور دولتی و مصالح عامه مشاوره کنند و آراء خود توسط دولت به شاه برسانند . اما با این حال مردم دست از مبارزه نکشیدند و چهار روز بعد ، فرمان دیگری در تکمیل فرمان قبلی درجهت حاکمیت تمامی طبقات مردم با برگزاری انتخابات و تشکیل مجلس توسط شاه صادر شد نهایتاً نخستین مجلس قانونگذاری با خطابه شاه در سال ۱۲۸۵ افتتاح شد.

• چگونگی تدوین قانون اساسی مشروطه

طرح اولیه قانون اساسی را شخصیت های سیاسی آگاه به قوانین اساسی کشورهای اروپایی تهیه کردند و کمیسیون پنج نفره ای متشکل از برگزیدگان مجلس و نمایندگان دولت مأمور حل اختلاف شد. قانون اساسی مشروطه در ۵ فصل و ۵۱ اصل در سال ۱۲۸۵ به تصویب رساندند.

مظفرالدین شاه در روزهای پایانی عمر خود آنرا امضاء و ده روز بعد ، فوت نمود و فرزند مستبد وی محمد علی میرزا بر تخت سلطنت نشست سر انجام پس از بحث ها و مشاجره های بسیار، شاه مجلس را به توپ بست و قیام

سراسری و هجوم به تهران آغاز شد و نهایتاً دولت مجبور شد متمم ۱۰۷ ماده ای قانون اساسی را تقدیم مجلس کند.

• ویژگیهای قانون اساسی مشروطیت

۱. ساختار حکومتی در ایران را متحول کرد و باعث دگرگونی بنیادی شد. در واقع قانون مشروطه برای نخستین بار مسئله پارلمان، حقوق مردم و مبنای قدرت سیاسی را مطرح کرد و در سلب اختیارات نا محدود شاه و نفی استبداد مطلقه و ضرورت حاکمیت مردم، تأثیر بسزا داشت.
۲. طبق اصل ۳۵ متمم قانون اساسی، دولت و سلطنت در ایران جنبه مردمی یافت و علاوه بر آن اعتقاد به دین اسلام و متدین بودن در آن قید شد و حاکمیت شرع مقدس اسلام بر مصوبات مجلس به موجب اصل دوم مشهود بود. این اصل مقرر می داشت در هر زمان، هیئتی دست کم به تعداد پنج نفر متشکل از مجتهدان و فقهای آگاه به مقتضیات زمان، مأمور بررسی قوانین و مسائل مطرح شده در مجلسین باشند تا با قوانین اسلام مغایرتی نداشته باشد. اصل ۲۷ متمم قانون اساسی، وضع، انشا و اجرای قوانین را بسته به عدم مخالفت با موازین شرعی می دانست. همین اصل و اصول ۷۱ و ۸۳ متمم قانون اساسی، بر حق دخالت مستقیم روحانیان در قوه قضائیه تأکید داشت.
۳. مطابق اصول ۸ تا ۲۵ قانون اساسی تمامی مردم در برابر قانون متساوی الحقوق و از حیث جان، مال ناموس، مسکن، شرف نیز مصون از هر نوع تعرض بودند.
۴. در قانون اساسی و متمم آن با ایجاد محدودیتهای قانونی سعی شده بود که از نفوذ نیروها و قدرتهای خارجی در امور حیاتی کشور جلوگیری شود.
۵. بر طبق اصل ۳۶ متمم قانون اساسی مقام سلطنت از طرف ملت و توسط مجلس مؤسسان به شخص شاه تفویض می شد.

• ضعفهای محتوایی قانون اساسی مشروطیت

۱. اصول قانون اساسی را باید به مثابه برنامه کلان و طولانی مدت دانست. و قانون اساسی می باید دارای اصول کلی باشد و از پرداختن به مسائل جزئی و کم اهمیت دوری نماید، در حالی که بسیاری از اصول مندرج در قانون اساسی و متمم آن این ویژگی را نداشت.
۲. در قانون اساسی مشروطیت و متمم آن هیچگونه نظم و ترتیب منطقی میان فصول و اصول وجود نداشت و حتی در برخی از موارد تناقضات آشکاری دیده می شد.
۳. مسئله حق حاکمیت ملی با حقوق سلطنت در اصول مختلف منافات داشت.
۴. مهمترین تعارض قانون اساسی مشروطیت در اصل تفکیک قوا بود.
۵. مشخص نبودن شخص یا نهادی برای تفسیر قانون اساسی

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

• مقدمات تدوین قانون اساسی

فکر تدوین قانون اساسی پیش از پیروزی انقلاب اسلامی و به هنگام اقامت امام خمینی در پاریس بوجود آمد و پیش‌نویس اولیه آن در همانجا تهیه و در ایران مورد بررسی قرار گرفت.

• تشکیل مجلس خبرگان بررسی قانون اساسی

پس از موافقت امام خمینی با تشکیل مجلس خبرگان بررسی و تصویب قانون اساسی، ایشان طی فرمانی به نخست وزیر دولت موقت دستور داد تا قانون انتخابات این مجلس، هرچه سریعتر به تصویب برسد لایحه قانونی انتخابات آن در تاریخ ۱۴/۴/۵۸ به تصویب شورای انقلاب رسید و در ۲۹ تیر ماه ۵۸ انتخابات این مجلس برگزار شد که شمار نمایندگان آن با احتساب نمایندگان اقلیتهای مذهبی ۷۳ نفر بود.

• همه پرسی قانون اساسی

در همه پرسی قانون اساسی در آذر سال ۱۳۵۸ از مجموع ۹۵۶/۷۵۸/۱۵ نفر شرکت کننده ۱۵/۶۸۰/۲۳۹ نفر رای مثبت دادند و نهایتاً این قانون در ۱۲ فصل و ۱۷۵ اصل تنظیم گردید.

- با درخواست نمایندگان مجلس شورای اسلامی و بازنگری قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در بهار ۱۳۶۸ اعضای شورای عالی قضایی طی دونامه جداگانه مبنی بر تجدید نظر در قانون اساسی تقدیم امام شد و امام در ۴/۲/۱۳۶۸ طی حکمی به رئیس جمهور وقت، فرمان بازنگری صادر شد و نهایتاً به ۱۴ فصل و ۱۷۷ اصل اصلاح گردید.

اقسام قانون اساسی

طبقه بندی و تقسیم قوانین اساسی به چند اعتبار و ملاحظه ممکن است صورت گیرد:

۱- تقسیم به اعتبار مدون و غیرمدون بودن قانون اساسی

امروزه غالب قوانین اساسی ملل مختلف دنیا به صورت مدون یا نوشته است یعنی تمامی مقررات و قوانین مربوط به تشکیلات دولت و سازمانها و نهادها های هر کشوری به صورت نوشته یا سندی در مجموعه ای به نام قانون اساسی گردآوری شده است.

اما در میان اینها بعضی از کشورها به دلایل متعددی از نوشتن و تدوین یک قانون اساسی منضبط و منظم خودداری می کنند، از جمله این کشورها انگلستان است که در این کشور عرف و عادات ملی بر قانون غلبه داشته و تکلیف اکثر امور به موجب عرف و عادت معین می گردد و هر روز بر قانون اساسی این کشور مثل سایر قوانین عادی آن ممکن است اسناد و مقررات ویژه ای اضافه گردد. همچنین رژیم اشغالگر قدس نیز پس از کودتای نظامی ۱۹۴۸ و تشکیل کشور متجاوز اسرائیل بنا بر ماهیت متجاوزگرانه اش وقتی در مجلس موسسان سال ۱۹۴۹ مسأله تهیه و طرح قانون اساسی به میان آمد، التزام به یک قانون مدون را رد کرد تا بدین طریق دست تجاوزگرش رادر مسأله حکومت و مرزهای کشور و مسائل خارجی منطقه باز گذارد.

۲- تقسیم به اعتبار تعداد متن

در این تقسیم قوانین اساسی بسیاری از کشورها از یک متن تشکیل شده و همچنین دیده می شود که بعضاً از ۲ متن یا بیشتر تشکیل شده اند. مثلاً قانون اساسی دوره سوم جمهوری فرانسه که از ۳ متن جداگانه تشکیل می شد و نیز قانون اساسی دوره مشروطیت ایران که متشکل از ۲ متن بود.

۳- تقسیم به اعتبار تعیین مرجع صالح برای تشخیص مغایرت قوانین عادی با قانون اساسی

در این قسمت، قوانین اساسی به ۲ گروه تقسیم می شوند:

الف) قانون اساسی صریح

یعنی در این نوع از قانون اساسی به صراحت تکلیف قوانین با قانون اساسی مشخص شده است و اختیار اتخاذ تصمیم در این زمینه را یا به دادگاهها و قوه قضائیه داده اند و یا آنها را از این عمل منع کرده اند و یا این عمل را به نهادی از خود قوه مقننه واگذار نموده اند. نمونه اول، قانون اساسی ایرلند و نمونه دوم قانون اساسی هلند و نمونه سوم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران می باشد.

ب) قانون اساسی غیر صریح

در بعضی از کشورها با اینکه در حال تعارض بین قوانین عادی با قانون اساسی صراحتی نیست اما در عمل قوه قضائیه خود این صلاحیت را داشته و عمل می کند، چنانچه در ایالات متحده آمریکا دیوان عالی کشور چنین عمل نماید و قانون عادی مغایر با قانون اساسی را ملغی الاثر می کند. البته در بعضی از کشورها هم به دلیل سکوت از مسأله تجدید نظر قضائی عقیده رایج این است که اصولاً محاکم نمی توانند در این خصوص اقدامی بکنند.

اصول و مبانی قانون اساسی

نوع حکومت در ایران طبق اصل اول قانون اساسی حکومت ایران جمهوری اسلامی است که قبلاً در همه پرسى روزهای ۱۰ و ۱۱ فروردین ۱۳۵۸ با اکثریت ۹۸/۲ درصد مقرر گردید.

• ارکان نظام سیاسی در ایران

✓ جمهوری بودن

✓ اسلامی بودن

✓ جمهوری بودن:

جمهوری که در مقابل نظام سلطنتی قرار می گیرد حکومتی است که باید در آن شرایط ذیل لحاظ شود:

۱. حاکم یا حاکمان بطور مستقیم توسط مردم یا غیر مستقیم توسط نمایندگان مردم انتخاب می شوند.
۲. دوره زمامداری در نظام جمهوری محدود است.
۳. حاکم یا حاکمان هیچ امتیاز شخصی نسبت به دیگران ندارند و همانند مردم تابع قانون و مسؤل تمام اعمال خویش هستند .
۴. برعکس نظام های سلطنتی در حکومت جمهوری حاکم یا حاکمان دارای مسؤلیت مضاعف حقوقی و سیاسی هستند ۵) زمامداری و اداره کشور با اتکاء به آرای عمومی است.

✓ اسلامی بودن

جمهوریت ناظر بر شکل حکومت و اسلامی بودن مربوط به محتوی آن است. اکثریت مردم با اعتقاد دیرینه خود به دین اسلام، محتوای حاکمیت اسلامی را در قالب جمهوری برگزیده اند. اسلامی بودن نظام و استمرار آن نیز به دو طریق تأمین می شود:

۱. ولایت فقیه
- یکی از راههای پیش بینی شده برای حفظ و استمرار اسلامیت نظام سپردن رهبری و هدایت این نظام در زمان غیبت امام زمان بدست فقیهی عادل و با تقوی ، آگاه به زمان، شجاع و مدیر و مدبر است.
۲. اسلامی بودن قوانین و مقررات
- طبق قانون اساسی همه قوانین و مقررات جزایی، مالی، اقتصادی، اداری، فرهنگی، نظامی، سیاسی و غیره باید بر اساس موازین اسلامی باشد. این اصل بر همه اصول قانون اساسی و قوانین دیگر حاکم است.

• اصول و مبانی اعتقادی جمهوری اسلامی

بر اساس قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نظامی است بر پایه ایمان به این مبانی است:

۱. خدای یکتا و اختصاص حاکمیت و تشریح به او و لزوم تسلیم در برابر او
۲. وحی الهی و نقش بنیادین آن در بیان قوانین
۳. معاد و نقش سازنده آن در سیر تکاملی انسان بسوی خدا
۴. عدل خدا در خلقت و تشریح (تشریح از شرع گرفته شده است)

۵. امامت و رهبری مستمر و نقش اساسی آن در تداوم انقلاب اسلامی
۶. کرامت و ارزش والای انسان و آزادی توأم با مسئولیت او در برابر خدا که از راه اجتهاد مستمر فقهای جامع الشرایط براساس کتاب و سنت معصومین و استفاده از علوم و فنون و تجارب پیشرفته بشری و تلاش در پیشبرد آنها و نفی هرگونه ستمگری و ستمکشی و سلطه گری و سلطه پذیری و قسط و عدل، استقلال سیاسی و اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی و همبستگی ملی را تأمین می گردد .

• وظایف دولت جمهوری اسلامی ایران

۱. ایجاد محیط مساعد برای رشد فضایل اخلاقی براساس ایمان و تقوی و مبارزه با همه مظاهر فساد و تباهی
۲. بالابردن سطح آگاهی های عمومی در همه زمینه ها با استفاده صحیح از مطبوعات و رسانه ها
۳. آموزش و پرورش و تربیت بدنی رایگان برای همگان در تمامی سطوح و تسهیل و تعمیم آموزش عالی
۴. تقویت روح بررسی و تتبع (پیگیری کردن) و ابتکار در تمام زمینه های علمی، فنی، فرهنگی، اسلامی از طریق تأسیس مراکز تحقیق و تشویق محققان
۵. طرد کامل استعمار و جلوگیری از نفوذ اجانب
۶. محو هرگونه استبداد و خود کامگی و انحصار طلبی
۷. تأمین آزادی های سیاسی و اجتماعی در حدود قانون
۸. مشارکت عامه مردم در تعیین سرنوشت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خویش
۹. رفع تبعیضات ناروا و ایجاد امکانات عادلانه برای همه مردم در تمام زمینه های مادی و معنوی
۱۰. ایجاد نظام اداری صحیح و حذف تشکیلات غیر ضروری
۱۱. تقویت کامل بنیه دفاع ملی از طریق آموزش نظامی همگانی برای حفظ استقلال و تمامیت ارضی و نظام اسلامی کشور
۱۲. پی ریزی اقتصاد صحیح و عادلانه بر طبق ضوابط اسلامی برای ایجاد رفاه و رفع فقر و برطرف ساختن هر نوع محرومیت در زمینه های تغذیه، مسکن، کار و بهداشت و تعمیم بیمه
۱۳. تأمین خود کفایی در علوم و فنون، صنعت و کشاورزی و امور نظامی

۱۴. تأمین حقوق همه جانبه افراد از زن و مرد و ایجاد امنیت قضایی عادلانه برای همه

۱۵. توسعه و تحکیم برادری و تعاون

۱۶. تنظیم سیاست خارجی کشور براساس معیارهای اسلام

• دین و مذهب رسمی

بر اساس اصل ۱۱ قانون اساسی دین رسمی ایران، اسلام مذهب جعفری اثنی عشری است و این اصل الی ابد غیر قابل تغییر است و مذاهب دیگر اسلامی اعم از حنفی، شافعی، مالکی حنبلی و زیدی دارای احترام کامل می باشند و پیروان این مذاهب در انجام مراسم مذهبی، طبق فقه خودشان آزادند و در تعلیم و تربیت دینی و احوال شخصیه و دعاوی مربوط به آن در دادگاه ها رسمیت دارند. و در هر منطقه ای که پیروان هر یک از مذاهب، اکثریت داشته باشند مقررات محلی در حدود اختیارات شوراها بر طبق آن مذهب خواهد بود

• زبان، خط، تاریخ و پرچم رسمی کشور

بر اساس اصل ۱۵ قانون اساسی زبان و خط رسمی مشترک مردم ایران فارسی است و اسناد و مکاتبات و متون رسمی و کتابهای درسی باید با این زبان و خط باشد ولی استفاده از زبانهای محلی و قومی در مطبوعات و رسانه های گروهی و تدریس ادبیات آنها در مدارس در کنار زبان فارسی آزاد است. همچنین بر اساس اصل ۱۶ قانون اساسی زبان عربی بعنوان زبان دوم در ایران به رسمیت شناخته شده است. مبدأ تاریخ رسمی کشور هجرت پیامبر اسلام از مکه به مدینه است و تاریخ هجری شمسی و هجری قمری هر دو در ایران معتبر است.

➤ پرچم رسمی ایران: به رنگهای سبز و سفید و سرخ با علامت مخصوص جمهوری اسلامی و شعار الله اکبر است رنگ سبز نشانه سیادت، پیروزی و مظهر اسلام است. رنگ سفید بیانگر صلح و منطق است؛ رنگ سرخ نشانه آزادی و شهادت طلبی در راه اعتقادات دینی است.

• نظام اقتصادی جمهوری اسلامی بر پایه ۳ بخش می باشد:

۱. بخش دولتی: شامل صنایع بزرگ، صنایع مادر، بازرگانی خارجی، معادن بزرگ، بانکداری، بیمه، تأمین نیرو، رادیو تلویزیون، هواپیمایی، کشتیرانی، راه و راه آهن و مانند اینها.
۲. بخش تعاون: شامل شرکتهای و مؤسسات تعاونی در تولید و توزیع.
۳. بخش خصوصی: شامل کشاورزی، دامداری، صنعت، تجارت و خدمات.

حاکمیت و منشاء آن

حاکمیت عبارت است از قدرت مافوق در یک کشور که بدون سلطه دولتهای دیگر تصمیم گیری می کند.

حاکمیت به دو دسته الهی و غیر الهی تقسیم می شود.

۱. نظریه حاکمیت الهی: براساس این نظریه قدرت و مشروعیت حاکمیت ناشی از اراده خداوند است و زمامداران نیز دستورهای خداوند را اجرا می کنند.

۲. نظریه حاکمیت غیر الهی: به سه دسته تقسیم می شوند.

➤ نظریه حاکمیت فردی: به موجب این نظریه، مجموعه اقتدارات سیاسی به فردی تعلق دارد که خود، استطاعت قدرت و فرمانروایی را داراست و این حاکم مطلق، تمام اقتدار خود را از خداوند می داند و معتقد است تصمیمات او به اراده و تصمیم خداست

➤ نظریه حاکمیت مردم: اینگونه حاکمیت هنگامی است که هر یک از افراد به طور مساوی و بدون واسطه، در تعیین سرنوشت خویش نقش اساسی داشته باشند؛ چرا که حکومت مردم بر مردم وقتی واقعیت می یابد که حاکمیت از ریشه و سرچشمه، متعلق به مردم باشد

➤ نظریه حاکمیت ملی: بر اساس این نظریه، ریشه هر گونه حاکمیتی اساساً در ملت قرار دارد و هیچ هیئت یا فردی نمی تواند اقتداری را که ناشی از ملت نباشد اعمال کند.

حاکمیت قانون دارای یک معنای عام است و یک معنای خاص.

در معنای عام، یعنی وجود نظم در کشور؛ به عبارت دیگر، وقتی افراد جامعه به گونه‌ای مشابه و با رعایت هنجارهای مشترک رفتار نمایند، به معنای آن است که قانون حاکم است. در معنای مضیق تر به معنای اجرای قوانین موضوعه و قوانینی که مجلس و مقامات صالح کشور وضع کرده‌اند، به نحوه درست و در راستای اجرای هدف آن قانون. در عمل، حاکمیت قانون بدان معنا است که هیچ فردی، چه رئیس جمهور و چه یک فرد عادی از قانون بالاتر نیست. حکومت‌های مردم سالار، قدرت را از طریق قانون به کار می‌بندند و خود ملزم به اطاعت از آن هستند. قوانین باید در جهت خواسته‌های مردم و نه هوس شاهان، زورگویان، مقامات نظامی یا احزاب خودگماشته باشد. مردم در حکومت‌های مردم سالار مشتاق پیروی از قانون هستند، چرا که از قواعد و دستورهای خودشان اطاعت می‌کنند. هنگامی که قانون توسط مردمی گذاشته می‌شود که باید از آن اطاعت کنند به نظر می‌رسد عدالت به بهترین نحو ممکن برقرار می‌شود.

برای حاکمیت قانون، یک دستگاه قدرتمند و مستقل قضایی لازم است که دارای اختیار، اقتدار، دارایی و اعتبار لازم جهت زیر پرسش بردن مقامات حکومتی و حتی سران عالی‌رتبه در برابر قوانین و دستورهای مملکتی باشد. از این رو قضات باید بسیار آموزش دیده، متبحر، مستقل و بی‌طرف و البته هنرمندانی ماهر باشند. هنر قاضی در نحوه تفسیر درست قوانین و اجرای مناسب آن نمایان خواهد شد.

البته آنان برای انجام وظیفه ضروری شان در نظام قانونی و قضایی باید به اصول مردم سالاری پایبند باشند. قوانین حکومت مردم سالار ممکن است سرچشمه‌های گوناگونی از قبیل: قانون‌های اساسی مکتوب، مصوبات و قواعد، تعالیم مذهبی و اخلاقی و آداب و رسوم فرهنگی داشته باشند.

از آن جا که شرط قانون، حمایت یکسان از همگان است، نمی‌تواند تنها برای یک فرد یا گروه قابل اجرا باشد.

قانون اساسی جمهوری اسلامی، ترکیبی از حاکمیت الهی و حاکمیت مردمی را پذیرفته است.

حقوق و آزادی های اساسی مردم

- حقوق و آزادی های قضایی و امنیتی:

۱. برخورداری از تساوی حقوق: اولین و مهمترین اصل حقوق و آزادیهای مردم آن است که در برابر قانون از حقوق مساوی برخوردار باشند. برابر اصل ۱۹ قانون اساسی مردم ایران از هر قوم و قبیله ای که باشند از حقوق مساوی برخوردارند و رنگ و نژاد و مانند اینها سبب امتیاز نخواهد بود. برابر اصل ۱۰۷ رهبر در برابر قوانین با سایر افراد کشور مساوی است.
۲. حق دادخواهی و مراجعه به دادگاه: برابر اصل ۳۴ قانون اساسی دادخواهی حق مسلم هر فرد است و هر کس می تواند به منظور دادخواهی به دادگاههای صالح رجوع نماید. همه افراد ملت حق دارند اینگونه دادگاهها را در دسترس داشته باشند.
۳. حق انتخاب وکیل: طبق اصل ۳۵ قانون اساسی در همه دادگاهها طرفین دعوی حق دارند برای خود وکیل انتخاب کنند و اگر توانایی انتخاب وکیل را نداشته باشند، باید برای آنها امکانات تعیین وکیل را فراهم کرد.
۴. مصونیت از تعرض: طبق اصل ۲۲ حیثیت، جان، مال، حقوق، مسکن و شغل اشخاص از تعرض مصون است مگر در مواردی که قانون تجویز کند.
۵. مصونیت از تبعید: طبق اصل ۳۳ هیچکس را نمی توان از محل اقامت خود تبعید کرد یا از اقامت در محل مورد علاقه اش محروم یا به اقامت در محلی مجبور ساخت مگر در مواردی که قانون مقرر می دارد.
۶. ممنوعیت شکنجه برای اقرار یا دریافت اطلاعات: طبق اصل ۳۸ اجبار شخص به شهادت، اقرار یا سوگند مجاز نیست و چنین شهادت یا اقرار یا سوگندی فاقد ارزش و اعتبار است و متخلف طبق قانون مجازات می شود.
۷. ممنوعیت هتک حرمت بر اساس اصل ۳۹ قانون اساسی علاوه بر ممنوعیت هتک حرمت در جنبه عمومی، هتک حرمت کسی را که به حکم قانون دستگیر، بازداشت و یا تبعید شده ممنوع می باشد.
۸. ممنوعیت توقیف غیر قانونی: طبق اصل ۳۲ هیچ کسی را نمی توان دستگیر کرد مگر به حکم و ترتیبی که قانون معین می کند. دلایل بازداشت بلافاصله باید به متهم ابلاغ و تفهیم شود.
۹. اصل براءت: طبق اصول ۳۶، ۳۷ و ۱۶۶ در این مورد به چند نکته باید توجه کرد. اول اینکه اصل بر براءت است و هیچکس مجرم شناخته نمی شود مگر اینکه در دادگاه ثابت شود. دوم اینکه حکم به مجازات

- و اجرای آن باید تنها از طریق دادگاه صالح و به موجب قانون باشد و سوم اینکه احکام دادگاه های صالح نیز باید مستدل و مستند به قانون و اصولی باشد که بر اساس آن حکم صادر شده است.
۱۰. اصل عطف به ماسبق نشدن قوانین: طبق اصل ۱۶۹ هیچ فعل یا ترک فعلی به استناد به قانونی که بعد از آن وضع شده است، جرم محسوب نمی شود.
۱۱. اصل علنی بودن محاکمات: بر اساس اصل ۱۶۵ محاکمات علنی انجام می شود و حضور افراد در آن بلامانع است، مگر آنکه به تشخیص دادگاه، علنی بودن آن منافی عفت عمومی یا نظم عمومی باشد، یا در دعاوی خصوصی، طرفین دعوا تقاضا کنند که محاکمه علنی نباشد.
۱۲. اصل تجدید نظر بودن احکام: از آنجائیکه قضات نیز ممکن است در رسیدگی ها دچار اشتباه شوند، در قوانین اساسی کشورها راههایی برای جبران اشتباه قاضی پیش بینی شده است. یکی از این راه ها در کشور ما دادگاه تجدید نظر است.
۱۳. اصل جبران مادی یا معنوی اشتباه: هرگاه برا اثر تقصیر قاضی ضرر مادی یا معنوی متوجه کسی گردد، مقصر طبق موازین اسلامی ضامن است. در غیر اینصورت، خسارت توسط دولت جبران می شود.

• حقوق و آزادی های سیاسی:

۱. حق حیات یا آزادی تن: منظور از حق حیات یا آزادی تن، منع تملک و بردگی و برده داری است
۲. داشتن آزادی تابعیت: طبق اصل ۴۱ تابعیت کشور ایران حق مسلم هرفرد ایرانی است و دولت نمی تواند از هیچ ایرانی سلب تابعیت کند مگر به درخواست خود او یا در صورتی که به تابعیت کشور دیگری درآید.
۳. ممنوعیت سانسور، استراق سمع و تجسس اسرار خصوصی: طبق اصل ۲۵ بازرسی و نرساندن نامه ها، ضبط و فاش کردن مکالمات تلفنی، افشای مخابرات تلگرافی و تلکس، سانسور و عدم مخابره و نرساندن آنها، استراق سمع و هر گونه تجسس ممنوع است مگر به حکم قانون.
۴. آزادی اندیشه و عقیده: طبق اصل ۲۳ تفتیش عقاید ممنوع است و هیچکس را نمی توان به صرف داشتن عقیده ای مورد تعرض و مأخذ قرار داد. آزادی عبارت است از اینکه شخص اختیار انجام فعل یا ترک فعل را داشته باشد، مشروط بر آنکه ضرری به دیگری نرسد.

۵. آزادی مطبوعات : طبق اصل ۲۴ نشریات و مطبوعات در بیان مطالب آزادند مگر آنکه مخل مبانی اسلام و یا حقوق عمومی باشد.

۶. آزادی فعالیت احزاب و گروههای سیاسی: احزاب، جمعیت ها، انجمن های سیاسی و صنفی و انجمن های اسلامی یا اقلیت های دینی شناخته شده آزادند، مشروط بر اینکه اصول استقلال، آزادی، وحدت ملی، موازین اسلامی و اساس جمهوری اسلامی را نقض نکنند.

۷. آزادی تشکیل اجتماعات و راهپیمایی ها : تشکیل اجتماعات و راهپیمایی ها بدون حمل سلاح بشرط آنکه مخل مبانی اسلام نباشد آزاد است.

۸. حضور هیأت منصفه در دادگاه جرائم سیاسی و مطبوعات

• حقوق اقتصادی ، رفاهی ، آموزشی و تربیتی:

۱. آزادی انتخاب شغل: طبق اصل ۲۸ هر کسی حق دارد شغلی را که بدان مایل است و مخالف اسلام و مصالح عمومی و حقوق دیگران نباشد برگزیند. دولت موظف است با رعایت نیاز جامعه به مشاغل گوناگون، برای همه افراد امکان اشتغال به کار و شرایط مساوی را برای احراز مشاغل ایجاد نماید

۲. آزادی و حق برخورداری از کسب و کار و مالکیت مشروع : طبق اصل ۴۶، ۴۷ و ۴۹ قانون اساسی هر کس مالک حاصل کسب کارخویش است و هیچکس نمی تواند بعنوان مالکیت نسبت به کسب و کار خود امکان کسب و کار را از دیگری سلب کند. مالکیت شخصی که از راه مشروع باشد، محترم است؛ ضوابط آنرا قانون معین می کند. مالکیت های نامشروع عبارتند از ربا، غصب، رشوه، اختلاس، سرقت، سوء استفاده از موقوفات، سوء استفاده از مقاطعه کاری ها و معاملات دولتی، فروش زمینهای موات و مباحات اصلی و دایر کردن اماکن فساد.

۳. حق داشتن مسکن متناسب: طبق اصل ۳۱ داشتن مسکن متناسب با نیاز ، حق هر فرد ایرانی است.

۴. حق برخورداری از تأمین اجتماعی : طبق اصل ۲۹ برخورداری از تأمین اجتماعی از نظر بازنشستگی، بیکاری، پیری ، از کار افتادگی، بی سرپرستی و ... دولت مکلف است طبق قوانین از محل درآمدهای عمومی و درآمدهای حاصل از مشارکت مردم، خدمات و حمایت های مالی فوق را برای یک یک افراد کشور تأمین نماید .

۵. برخورداری از آموزش و پرورش رایگان تا پایان دوره متوسطه

۶. تأمین استقلال اقتصادی و ریشه کن کردن فقر و محرومیت : برای این منظور ضوابط زیر استوار است

- ❖ تأمین نیازهای اساسی افراد مانند : مسکن، خوراک، پوشاک، بهداشت، درمان، آموزش و پرورش
- ❖ تأمین شرایط و امکانات کار
- ❖ تنظیم برنامه اقتصادی کشور .
- ❖ رعایت آزادی انتخاب شغل و عدم اجبار افراد به کار معین
- ❖ منع اضرار به غیر، انحصار، احتکار، و ربا و دیگر معاملات حرام و باطل.
- ❖ منع اسراف و تبذیر در همه شئون .
- ❖ استفاده از علوم و فنون و تربیت افراد ماهر .
- ❖ جلوگیری از سلطه اقتصادی بیگانه بر اقتصاد کشور
- ❖ تأکید بر افزایش تولیدات کشاورزی، دامی و صنعتی

رهبری در قانون اساسی

رهبری در نظام جمهوری اسلامی بطور غیر مستقیم و یا با واسطه توسط مردم انتخاب می شود. بدین بیان که مردم خبرگان را برمی گزینند و خبرگان نیز رهبر را انتخاب می کنند. بنابراین خبرگان رهبری درباره فقها بررسی و مشورت می کنند و آن کسی را که اعلم به احکام و موضوعات فقهی باشد و یا دارای مقبولیت عام و یا برجستگی خاص باشد را به رهبری انتخاب می کنند.

رهبرمنتخب خبرگان ولایت امر و همه مسؤولیتهای ناشی از آن را بر عهده خواهد داشت. افزون براین عزل رهبر نیز طبق قانون اساسی از وظایف خبرگان است تا هر گاه رهبر در انجام وظایف خود ناتوان شود و یا فاقد یکی از شرایط مذکور در اصول ۵ و ۱۰۹ و یا معلوم شود از آغاز برخی از شرایط را دارا نبوده از مقام خود بر کنار خواهد شد.

طبق اصل ۵ قانون اساسی در زمان غیبت حضرت ولیعصر (عج) در جمهوری اسلامی ایران ولایت امر و امامت امت بر عهده فقیه عادل و با تقوا، آگاه به زمان، شجاع، مدیر و مدبر است که طبق اصل ۱۰۷ عهده دار آن می گردد.

بر اساس اصل ۱۰۹ برخی از شرایط و صفات رهبری بدین شرح است:

۱. صلاحیت علمی لازم برای افتاء در ابواب مختلف فقه

۲. عدالت و تقوای لازم برای رهبری اسلام

۳. بینش صحیح سیاسی و اجتماعی ، تدبیر ، شجاعت و مدیریت کافی برای رهبری

در صورت تعدد شرایط فوق ، شخصی که دارای بینش فقهی و سیاسی قوی تر باشد مقدم است.

درايران رهبر يا ولايت فقيه ، جاىگاهش در امريكا و فرانسه با رئيس جمهور، در انگلستان با نهاد سلطنت كه شرايط سخت گيرانه اى بنا به قانون خود براى آنها رعايت مى شود.

چگونگی انتخاب رئیس دولت در کشورهای دیگر

➤ ایالات متحده امریکا

بصورت غیر مستقیم انتخاب می شود به این معنی که مردم هیئت هایی را انتخاب می کنند تا به رئیس جمهور رأی دهند. رئیس جمهور نقش رهبر و رئیس دولت را ایفا می کند و هدایت کننده اصلی کشور است و حداقل ۳۵ سال سن با ۱۴ سال اقامت و جمع آوری صدها هزار امضاء از ایالت های مختلف شرط رسیدن به آن است.

➤ انگلستان

مقام سلطنت رهبر کشور محسوب می شود و از نظر مردم مظهر ملی ، قدرت و حاکمیت سیاسی است و موروثی بوده و شاه یا ملکه این مقام را از پدر به ارث می برد و باید دارای مذهب پروتستان باشد، رژیم سلطنتی موروثی است، زنان از حق سلطنت برخوردارند ولی پس از مردان، در حال حاضر ملکه الیزابت حکمران است که این مقام را از پدرش به ارث برده است.

➤ فرانسه

مقام ریاست جمهوری مشروعیت خود را مستقیم از مردم می گیرد ، فوق نیروها و احزاب سیاسی است. اختیارات قانونگذاری قوه مقننه به مواردی محدود شده و در مقابل، اختیارات قوه مجریه در بسیاری از امور که در گذشته جزء صلاحیت قوه مقننه بود فزونی یافته است.

➤ جمهوری فدرال آلمان

توسط مجلسی با عنوان کنوانسیون فدرال انتخاب می شود که نصف اعضای آن از نمایندگان مجلس فدرال و نیمی دیگر نیز از اعضای مجلس ایالتی اند.

رئیس جمهور در آلمان حداقل ۴۰ سال سن و باید تابعیت آلمان را داشته باشد و در یک دوره ۵ ساله توسط مجلس فدرال و مجلس ایالات انتخاب می شود و نباید عضو مجلس فدرال بونستاک یا مجلس ایالات بوندسرات و یا دولت باشد.

➤ جمهوری هند

رئیس جمهور در این کشور جنبه سمبولیک دارد و هم رئیس قوه مجریه می باشد و از طرف دو مجلس قانونگذاری فدرال و مجالس مقننه ایالات با اکثریت آرا انتخاب می شود.

مسئولیت مقام رهبری در مقابل قانون

۱. مسئولیت سیاسی

خبرگان رهبری از میان اعضای خود هیئت تحقیقی را مرکب از ۷ نفر برای مدت ۲ سال با رأی مخفی انتخاب می کنند تا به وظایف مذکور در قانون عمل نمایند که این افراد نباید در سمتهای اجرایی و قضایی از جانب مقام رهبری شاغل باشند و یا از بستگان نزدیک وی باشند.

۲. مسئولیت حقوقی

طبق بند آخر اصل ۱۰۷ رهبر در برابر قوانین با سایر افراد کشور برابر است.

۳. مسئولیت مالی

طبق قانون اساسی دارای رهبر، همسر و فرزندان، مانند دیگر مسؤولان بلند پایه کشور توسط رئیس قوه قضائیه رسیدگی می شود. که برخلاف حق، افزایش نیافته باشد.

لازم بذکر است بر اساس قانون رایج تقریباً هیچ کشوری بخصوص کشورهای نامبرده شده مثل رئیس جمهور در امریکا و فرانسه و پادشاه در انگلستان مقامت مذکور در مقابل هیچ نهاد و دستگاهی مسئول و پاسخگو نیستند.

وظایف و اختیارات مقام رهبری

- وظایف و اختیارات رهبر در برابر کل نظام
- وظایف و اختیارات رهبر در قوه مجریه
- وظایف و اختیارات رهبر در قوه مقننه
- وظایف و اختیارات رهبر در قوه قضائیه
- وظایف و اختیارات دیگر

➤ وظایف و اختیارات رهبر در برابر کل نظام

اصل ۱۱۰ قانون اساسی چهار وظیفه مهم بر عهده رهبر نهاده است:

۱. تعیین سیاست های کلی نظام پس از مشورت با مجمع تشخیص مصلحت: سیاست تحت عنوان چشم انداز بیست ساله تهیه و برای اجرا به مسؤولان ابلاغ شده است.
۲. نظارت بر حسن اجرای سیاست های کلی نظام: رهبری در حکمی به تاریخ ۳/۱۱/۱۳۷۹ این سیاستها را به مجمع تشخیص مصلحت نظام واگذار کرده است.
۳. حل اختلاف و تنظیم روابط قوای سه گانه: قانون اساسی تفکیک قوای سه گانه را در اصل ۵۷ مقرر داشته است.
۴. حل معضلات نظام که از طریق عادی قابل حل نیست، از طریق مجمع تشخیص مصلحت نظام

➤ وظایف و اختیارات رهبری در قوه مجریه

به کلیه متصدیان و دستگاه های اجرایی ، " قوه مجریه گفته می شود. بدین معنا که قوانینی که توسط قوه مقننه وضع می شود را قوه مجریه به اجراء در می آورد. بطور خلاصه قوه مجریه کلیه متصدیان و کسانیکه کار اجرایی انجام می دهند.

۱. فرماندهی کل نیروهای مسلح
۲. اعلان جنگ، صلح و بسیج نیروها
۳. نصب، عزل و قبول استعفای فرمانده کل ارتش؛
۴. نصب، عزل و قبول استعفای فرمانه کل
۵. نصب، عزل و قبول استعفای فرماندهان عالی نیروهای نظامی و انتظامی؛
۶. امضای حکم ریاست جمهوری پس از انتخاب از سوی مردم؛
۷. عزل رئیس جمهوری پس از رأی عدم کفایت سیاسی مجلس شورای اسلامی و یا احراز تخلف ریاست جمهوری از وظایف قانونی خود بر اساس نظر دیوان عالی کشور؛
۸. قبول استعفای رئیس جمهور
۹. تأیید مصوبات شورای عالی امنیت ملی؛
۱۰. موافقت با بر عهده گرفتن مسؤلیتهای رئیس جمهور توسط معاون اول او در شرایط ویژه.

➤ وظایف و اختیارات رهبری در قوه مقننه

۱. فرمان اجرای همه پرسى طبق قانون اساسی گاه تصمیم گیری در برابر مسایل بسیار مهم اقتصادی، سیاسی و اجتماعی از طریق همه پرسى و مراجعه به آراء مردم صورت می پذیرد. درخواست مراجعه به آراء عمومی باید به تصویب دو سوم کل نمایندگان مجلس برسد. بنابراین پس از تصویب دو سوم کل نمایندگان، رهبر فرمان همه پرسى را صادر می کند. در غیر این صورت همه پرسى اجراء نمی شود. طبق بند سوم اصل ۱۱۰ ، فرمان همه پرسى از وظایف و اختیارات رهبر است.

۲. نصب، عزل و قبول استعفای فقهای شورای نگهبان
- نصب، عزل و قبول استعفای فقهای شورای نگهبان بر عهده مقام رهبری می باشد.

➤ **وظایف و اختیارات رهبر در قوه قضائیه:**

۱. نصب و عزل و قبول استعفای رئیس قوه قضائیه
۲. عفو و تخفیف مجازات محکومین : عفو و تخفیف مجازات محکومین پس از پیشنهاد رئیس قوه قضائیه از اختیارات مقام رهبری است.

➤ **وظایف و اختیارات دیگر**

۱. نصب و عزل و قبول استعفای رئیس سازمان صدا و سیما: بر پایه اصل ۱۵۷ عزل و نصب وی با مقام رهبری است و شورایی مرکب از نمایندگان رئیس جمهور و قوه قضائیه و مجلس شورای اسلامی هر کدام دو نفر بر این سازمان نظارت دارند.
۲. تعیین اعضای مجمع تشخیص مصلحت نظام: مجمع تشخیص مصلحت نظام در قانون اساسی اول پیش بینی نشده بود. امام خمینی (قدس سره) در سال ۱۳۶۶ بر اساس حکم حکومتی، دستور تشکیل آن را صادر نمود و در بازنگری قانون اساسی در سال ۱۳۶۸ نیز بر وجود آن در قانون اساسی تصریح شد. بر اساس اصل ۱۱۲ قانون اساسی، اعضای ثابت و متغیر این مجمع توسط مقام رهبری تعیین می شود. همچنین مقررات مربوط به مجمع توسط خود اعضاء تهیه شده و به تصویب و تأیید مقام رهبری می رسد.

وظایف و اختیارات مجمع تشخیص مصلحت نظام:

- یک: حل اختلاف بین مجلس شورای اسلامی و شورای نگهبان.
- دو: مشاوره به رهبری در حل معضلات نظام، بازنگری قانون اساسی و تعیین سیاستهای کلان نظام
- سه: انتخاب یکی از فقهای شورای نگهبان برای عضویت در شورای رهبری

۳. دستور بازنگری در قانون اساسی: مقام رهبری پس از مشورت با مجمع تشخیص مصلحت نظام، طی حکمی به رئیس جمهور موارد اصلاح یا متمیم قانون اساسی را به شورای بازنگری پیشنهاد می کند.

مقایسه وظایف و اختیارات رهبر ایران با رئیس کشور در دیگر نظام ها

الف) وظایف و اختیارات نظام سلطنت در انگلستان :

۱. انتخاب نخست وزیر که مهمترین وظیفه مقام سلطنت است.
 ۲. اعطای عناوین و نشانه های رسمی به مقامات کشوری و لشکری
 ۳. ریاست کل بر قلمرو بریتانیا اعم از انگلستان، اسکاتلند، ایرلند و ولز
 ۴. فرماندهی کل نیروهای مسلح کشور و اعلان جنگ و صلح
 ۵. انتصاب اعضای مجلس لردان و حق ایجاد لردی مادام العمر
 ۶. انتصاب فرمانداران کل در کشورهای استرالیا، زلاند نو و کانادا که بصورت فرمانداریهای وابسته اداره می شوند.
 ۷. انحلال پارلمان به پیشنهاد هیئت دولت
 ۸. توشیح قوانین مصوب پارلمان و آیین نامه های اجرایی آنها
 ۹. فرمان افتتاح و اختتام جلسات پارلمان و دعوت از پارلمان برای برگزاری جلسات فوق العاده
 ۱۰. انعقاد قراردادهای بین المللی و برقراری روابط دیپلماتیک با کشورهای دیگر
 ۱۱. حق ابتکار و پیشنهاد قانون به مجلس ۱۳ اداره امور مستعمرات و مستملکات انگلستان
- اختیارات مقام سلطنت در انگلستان در طول تاریخ کاهش یافته است. شاه یا ملکه معمولاً از کمک شورای خصوصی بهره مند است که بیشتر اعضای آن از مشاوران نزدیک اویند. مقام سلطنت می تواند اگر بین مجلس عوام و دولت اختلاف افتاد، هم دولت را ساقط و هم مجلس را منحل کند.

وظایف و اختیارات رئیس جمهور آمریکا:

۱. فرماندهی کل قوا
۲. اعلان جنگ در وضعیت جنگی
۳. دستور بکار گیری اسلحه در نا آرامی های داخلی

۴. ریاست قوه مجریه
 ۵. انتصاب مقام های دولت فدرال: قضات دیوان عالی، وزیران، سفیران، کارداران و سایر مقامات دولت
 ۶. عزل مقامهای دولت فدرال
 ۷. انتخاب مقامهای عالی رتبه دولت فدرال که در ایالات خدمت می کنند
 ۸. صیانت، حمایت و دفاع از قانون اساسی
 ۹. حق وتو مصوبات کنگره
 ۱۰. درخواست جلسه کنگره
 ۱۱. فرمان اجرایی
 ۱۲. طراحی و اجرای همه سیاست ها و برنامه های خارجی
 ۱۳. انعقاد معاهدات با دیگر دولتها و نیز لغو آنها
 ۱۴. پذیرش استوارنامه سفیران و نمایندگان خارجی کشورهای دیگر
 ۱۵. عضو که همه آنها از طرف رئیس جمهور و با موافقت مجلس سنا منصوب می شوند ۹ انتصاب قضات دیوان عالی : دیوان عالی دارای
 ۱۶. تعلیق اجرای مجازات و یا عفو جرایم
- اختیارات رئیس جمهور امریکا از رهبر و رئیس جمهور ایران بیشتر است . رئیس جمهور در امریکا نمی تواند کنگره کشور را منحل کند.

وظایف و اختیارات رئیس جمهور فرانسه:

۱. نظارت بر اجرای قانون اساسی
۲. تضمین استقلال ملی، تمامیت ارضی و رعایت معاهدات
۳. نصب و عزل و قبول استعفای نخست وزیر و همچنین نصب و عزل وزیران به پیشنهاد نخست وزیر
۴. ریاست هیئت وزیران
۵. صدور دستور همه پرسی
۶. انحلال مجلس ملی پس از مشورت با نخست وزیر و رئیسان مجالس

۷. نصب مقامات کشوری و لشکری
 ۸. اعطای استوارنامه به سفیران و همچنین پذیرش استوارنامه سفیران خارجی
 ۹. فرماندهی کل قوا و ریاست شوراها و کمیته های عالی دفاع ملی
 ۱۰. انتخاب ۳ نفر از اعضای ۹ نفره شورای قانون اساسی فرانسه و همچنین نصب رئیس این شورا
 ۱۱. امضای تصویب نامه ها و آیین نامه های صادره توسط دولت
 ۱۲. صدور عفو عمومی
 ۱۳. اعطای نشانهای دولتی
 ۱۴. اتخاذ تصمیمات مقتضی در مواقع اضطراری
 ۱۵. ریاست شورای عالی قضایی
- اختیارات رئیس جمهور فرانسه نه تنها از رهبر و رئیس جمهور ایران، بلکه از رئیس جمهور آمریکا (دلیل اختیار انحلال کنگره و یا مجلس نمایندگان) نیز بیشتر است.

وظایف و اختیارات امپراتور ژاپن:

۱. نصب نخست وزیر منتخب مجلس
۲. نصب رئیس قضات دیوان عالی کشور
۳. توشیح و صدور فرمان اجرای اصلاحات قانون اساسی
۴. داشتن حق دعوت به تشکیل مجلسین و انحلال مجلس نمایندگان
۵. اعلام انتخابات عمومی برای تعیین اعضای مجلسین
۶. تأیید نصب و عزل وزیران و سایر مقامات دولتی و نیز تأیید اختیارات تام و استوارنامه سفیران و نمایندگان سیاسی کشور در خارج
۷. تأیید عفو عمومی و اختصاصی
۸. تأیید اسناد و سایر مدارک سیاسی
۹. اعطای نشان های افتخار دولتی

نکته ای که در اینجا قابل اهمیت و ذکر است این است که ، اجرای مقررات قانون اساسی چگونه باید تضمین گردد؟

در پاسخ به این سوال کشورهای مختلف دنیا شیوه های متفاوتی را برگزیده اند. بعضی از کشورها نظارت بر اجرای مقررات قانون اساسی را برعهده یک دستگاه قضایی می گذارند، نظیر آمریکا که این نظارت برعهده دیوانعالی کشورش قرار داده است. و یا ممکن است کشوری این نظارت را برعهده یک دستگاه سیاسی قرار دهد اما در ایران ضمانت اجرای مقررات قانون اساسی برعهده دستگاههای مختلفی قرار داده شده است که بعضاً دارای جنبه قضایی و سیاسی و یا عمومی هستند از آن جمله:

الف) مردم

طبق اصل هشتم قانون اساسی ایران دعوت به خیر، امر به معروف و نهی از منکر وظیفه ای است همگانی و متقابل برعهده مردم نسبت به یکدیگر، دولت نسبت به مردم و مردم نسبت به دولت. که بدین ترتیب یک نظارت همگانی را ایجاد و مردم را بدان ملف نموده است.

ب) نهاد رهبری

طبق اصل ۵۷ قانون اساسی کلیه قوای حاکم در جمهوری اسلامی ایران تحت نظر ولایت مطلقه امر بوده و تحت نظارت آن نهاد مقدس وظایف خود را اعمال و اجرا می کنند و این نهاد عالی ترین دستگاهی است که نظارت برعهده عملکرد قوای سه گانه را برعهده دارد.

ج) نهاد ریاست جمهوری

بر اساس اصل ۱۱۳ قانون اساسی عالی ترین مقام رسمی کشور از مقام رهبری رئیس جمهور می باشد که مسئولیت اجرای قانون اساسی و وظایف محوله را برعهده دارد و همچنین طبق اصل ۱۲۶ رئیس جمهور مسئولیت امور برنامه و بودجه و امور اداری و استخدامی کشور را نیز عهده دار می باشد.

د) شورای نگهبان

یکی از مهم ترین دستگاههای ضمانت اجرای قانون اساسی در جمهوری اسلامی ایران طبق اصل ۹۲ قانون اساسی شورای نگهبان است که هدف از تاسیس و تشکیل آن پاسداری از احکام اسلام و قانون اساسی است که موظف است کلیه مقررات و قوانینی را که از طریق مجلس شورای اسلامی تصویب می شوند، کنترل نموده و مانع از تصویب و اجرای آنچه خلاف اصول قانون اساسی است.

م) مجلس شورای اسلامی

طبق اصل ۹۰ قانون اساسی یکی از وظایف مجلس شورای اسلامی رسیدگی به شکایات و اعتراضات هر شخص حقیقی یا حقوقی از طرز کار مجلس یا سایر قوا می باشد و بدین ترتیب بر حسن اجرای قوانین و مقررات حاکم در جمهوری اسلامی نظارت می نماید.

و) قوه قضائیه

طبق اصل ۱۵۶ قانون اساسی قوه قضائیه موظف است از حقوق فردی و اجتماعی و تحقق ارزشهای مقرر در قانون اساسی نظیر عدالت و آزادیهای مشروع و حسن اجرای قوانین و گسترش عدل در جامعه، حمایت و پشتیبانی نموده و در اجرای قوانین از جمله قانون اساسی مداخله نماید.